



اتفاق افتاده، این بوده که زندگی دنیایی انسان، اعم از زندگی شخصی و اجتماعی او را تحت تأثیر قرار دهند و آهنگ این زندگی را به سمت پرستش خدای متعال و عبودیت و بندگی هدایت کنند. به گونه‌ای که تمام زندگی بشر یک آهنگ بیشتر نداشته و آن هم آهنگ توحید و پرستش خدای متعال باشد.

تمام مفاهیم قدسی که در باطن دین یا ظاهر دین، در صورت شریعت تجلی کرده‌اند و تمام درگیری‌های انبیای الهی، حول این امر بوده که همه زندگی بشر بر محور حقایق قدسی و بر محور عبادت و بندگی خدای متعال شکل بگیرد. طبیعتاً در این دنیا دستگاه باطل هم با خط و جریان قدسی‌سازی زندگی بشر یک درگیری تاریخی مستمر و همه جانبه داشته و یکی از جبهه‌هایی که در این درگیری گشوده است، جبهه «تحریف کلمه حق، کلمه توحید و راه انبیا» است که اشکال مختلفی دارد و از نظر اثرگذاری هم متفاوت هستند.

تمایز تحریفات در مفاهیم قدسی و ضرورت شناخت تحریف اصلی



تحریفاتی که نسبت به کل مفاهیم و آموزه‌ها و حوادث قدسی اتفاق افتاده است متفاوت هستند. در عین اینکه

## تحریفات مدرن نهضت کربلا

سید محمد مهدی میرباقری

توحید، هدف آموزه‌های ادیان



هدف همه آموزه‌های قدسی ادیان و حوادث بزرگی که بر پیرامون آنها از طریق انبیا و اوصیای آنها و مؤمنان

مثلاً مفهوم انتظار را این طور تفسیر کردند که پدیده عصر ظهور پدیده‌ای است که در آن یک جهش تاریخی اتفاق می‌افتد و این جهش به وسیله فرد فوق العاده‌ای که از نظر مذهب تشیع وجود مقدس امام عصر (ارواحنا فداه) است و سایر ادیان هم به نحوی او را معرفی کرده‌اند، اتفاق می‌افتد و در این جهش تاریخی کلمه توحید فراگیر و جهانگیر می‌شود. بعد آمده‌اند تحریف کرده‌اند و گفته‌اند هیچ رسالتی بر عهده ما نیست. این یک جهشی است که در تاریخ بشر بر محور یک ابرمرد الهی و ملکوتی، اتفاق می‌افتد، ما هیچ رسالتی نداریم و باید منتظر باشیم و سکوت کنیم، ببینیم چه اتفاقی می‌افتد! این یک نوع تحریف است.

در کنار این نوع تحریف که یک نوع تحریف سنتی و بدیهی است، دقیقاً یک تحریف مدرن داریم که می‌گوید: جامعه بشری به سمت یک نقطه روشنی حرکت می‌کند. این حرکت اولاً یک حرکت تدریجی است و هیچ جهشی در آن نیست و ثانیاً حرکتی است که خود انسان‌ها آن را می‌سازند، این طور نیست که یک انسان الهی و یک ولی الهی محور شکل‌گیری حادثه باشد، این هم یک نوع تحریف است؛ یعنی دقیقاً مفهوم انتظار را به یک مفهوم کاملاً زمینی و خاکی تبدیل می‌کند. بعد هم آن چیزی را که بناسست تحقق پیدا نماید در نهایت به گونه‌ای تفسیر می‌کند که مثلاً در یک نظام لیبرالی تطبیق می‌کند. این هم نوعی تحریف از مفهوم انتظار است.

این تحریف در دنیای معاصر اثرگذاریش بیشتر و خطرناک‌تر است، یعنی مفهوم انتظار را «سکولار تفسیر کردن» و بین این مفهوم مقدس دینی و حیات سکولار پیوند برقرار کردن. به گونه‌ای که این انتظار یک جهش معنوی به سمت اصل ظهور دیگر ایجاد نمی‌کند. تلقی انسان در این فرهنگ جدید از انتظار این است که جریان انتظار، همین شیب اصلاحاتی است که به سمت مدرنیسم و لیبرال دموکراسی در حال جریان است. در واقع جامعه موعود انبیا همان جامعه لیبرال دموکراسی است.

ما اگر بخواهیم به یک تمدن

فراگیر دینی بر محور توحید

برسیم، باید در مقابل این جبهه

فراگیر که برنامه جهانی تاریخی

دارد و دنبال ایجاد یک جامعه

جهانی واحد بر محور «لیبرال

دموکراسی» است، طرح و برنامه

داشته باشیم.

تحریفاتی که نسبت به دین و

این حقیقت قدسی به شکل مدرن

اتفاق افتاده و در گذشته هم بوده

به همه این تحریفات توجه داشته و هیچ یک از آنها را از نظر دور نمی‌داریم، نباید همه آنها را یکسان مورد توجه قرار دهیم و تحریفات اصلی و اثرگذارتر را نباید هرگز همسان با تحریفات ساده و عادی مورد توجه و دقت قرار دهیم. به عنوان نمونه در دنیای معاصر خودمان چیزی که در مورد این تحریفات متفاوت اتفاق افتاده، همین ادیان مشابه یا فرقه‌های جزئی هستند که در درون دنیای اسلام، مسیحیت و امثال آنها شکل گرفته یا ساخته شده‌اند. به بیان دیگر همان دین‌پرستی و آیین‌سازی. ولی آن جبهه اصلی که مقابل ما است، اینها نیست. جبهه اصلی، جبهه «مدرنیسم» است که از طریق محیط‌سازی، مجاری حسی انسان‌ها را تغییر می‌دهد، فرهنگ اجتماعی درست می‌کند و بستر را برای تغییر باورها و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی درست می‌کند. حقیقتاً کدام یک از این دو اثر گذارترند که ما باید در خط مقدم مورد توجه قرار دهیم؟ ما اگر بخواهیم به یک تمدن فراگیر دینی بر محور توحید برسیم، باید در مقابل این جبهه فراگیر که برنامه جهانی تاریخی دارد و دنبال ایجاد یک جامعه جهانی واحد بر محور «لیبرال دموکراسی» است، طرح و برنامه داشته باشیم.

#### تحریف مدرن شخصی سازی دین

تحریفاتاتی که نسبت به دین و این حقیقت قدسی به شکل مدرن اتفاق افتاده و در گذشته هم بوده - به خصوص در سرآغاز رنسانس - برای اینکه زندگی بشر را زمینی و خاکی کنند این است که دین را امری شخصی و فردی و مربوط به حوزه خصوصی زندگی انسان تفسیر کردند و این خود نوعی تحریف دین بود. این تحریفات کم کم به تفسیر جدید از دین در قالب روان‌شناسی دین منتهی شد که دین را به عنوان امری زاییده ماده تفسیر نمودند یا تفسیرهای مختلفی که کم کم دین را زائیده واژگونی اوضاع اقتصاد و پدیده‌ای ناشی از جهالت بشر و ناشی از آشفتگی‌های روانی و اضطراب‌ها و ترس‌های درونی بشر در مقابل خطرات طبیعی و امثال اینها معرفی کردند.

این نوع تحریفات که دین را اول به یک امر قدسی شخصی و بعد به یک امر خاکی تبدیل کند، «تحریفات مدرن» است. در تاریخ، چنین تحریف‌هایی سابقه ندارد.

#### تحریف سنتی و مدرن در فرهنگ انتظار

به عنوان نمونه یکی از مفاهیم اثرگذاری که در فرهنگ اسلام بوده و همیشه هم تلاش می‌شده به نحوی تحریف شود و در فرهنگ همه ادیان الهی نیز بوده است، «فرهنگ انتظار» است که یک روح امیدواری در بشر ایجاد می‌کند. لذا سعی کردند در طول تاریخ دائماً آن را تحریف کنند.

## تحریفات آشکار و پنهان واقعه عاشورا

نسبت به واقعه عاشورا هم دقیقاً همین اتفاق افتاده است؛ یعنی تحریفات از قدیم هم وجود داشته است. از قدیم هم بعضی تحریفات سطحی و بعضی بسیار اساسی اند. از جمله تحریفاتی که اتفاق افتاده - که ما خیلی آن را درشت می‌کنیم که در جای خود هم خیلی مهم است - این است که عده‌ای - که احیاناً دوست هم بوده‌اند - آن جایی که می‌خواستند این حقیقت قدسی و ماورائی را مثلاً در قالب یک حماسه تحلیل کنند، گاهی دچار مبالغه شده‌اند، (مبالغه‌های صوری) چون نمی‌توانسته‌اند باطن عظیم این حادثه را تبیین بکنند، ناچار به مبالغت صوری کشیده شده‌اند. فرض کنید تعداد لشکر را افزایش داده‌اند، زمان حادثه عاشورا را افزایش داده‌اند و امثال این‌گونه تحریفات. این قبیل مبالغت غلط است و نباید اتفاق بیفتد. ولی واقعا این تحریفات در مقابل تحریفات بزرگ، تحریفات مهمی نیستند. تحریفات مهم، تحریفاتی هستند که در طول تاریخ، برای فروکاستن از اثر بخشی این حادثه صورت گرفته است. به دلیل اینکه اثرگذاری حادثه عاشورا بر فرآیند جامعه جهانی کاملاً مشهود شده و دوست و دشمن فهمیده‌اند که امواج این حادثه دارد به یک موج فرهنگ جهانی در مقابل فرهنگ مدرن تبدیل می‌شود.

## از بین بردن اسلام سیاسی، محور جنگ تمدن‌ها

اگر صحبت از جنگ بین تمدن‌ها، یعنی تمدن اسلامی و تمدن غرب، یعنی تمدن اسلامی و تمدن مدرن، به عنوان محوری‌ترین این جنگ‌هاست، در کانون این تمدن، «اسلام انقلابی» و اسلام شیعی است. این را دوست و دشمن می‌دانند. شما حرف‌های هانتینگتون را که تئوری پرداز این جنگ است، ببینید. آنها اسلام انقلابی و رادیکال و به تعبیر خودشان بنیادگرا را مبدأ این درگیری می‌دانند و نقطه کانونی جوشش فرهنگ اثرگذاری بر حیات بشر، عاشورا است.

اینکه در همایش چند سال قبل یهود گفته شد که شیعه دو نقطه اصلی اتکا دارد: عاشورا و انتظار، ما باید این دو تا را در فرهنگ تشیع و جامعه جهانی تغییر بدهیم، علامت این است که دشمن دقیقاً به اثرگذاری این حادثه و فرهنگ‌سازی این حادثه توجه پیدا کرده و دیده که این از یک حادثه شخصی و قدسی تبدیل شده به یک حادثه اثرگذار در فرآیندهای سیاسی جهانی و امواجش جامعه جهانی را تحت تأثیر قرار داده و به اصطلاح جهانی سازی را با خطر جدی مواجه کرده است؛ یعنی به رقیب جهانی سازی مادی تبدیل شده است. خوب باید با این چه کرد؟ این بسیار مهم است.

## تحریف پنهان عاشورا

تحریف مدرنی که اخیراً از عاشورا می‌شود این است که می‌خواهند به قول خودشان عاشورا را در دوره گذار از دینداری به سکولاریسم تفسیر کنند! یعنی به نظرشان می‌آید جامعه جهانی دارد به سمت سکولاریسم حرکت می‌کند، حالا در این حرکت عمومی عاشورا را چگونه تفسیر کنند که هماهنگ با جامعه جهانی شده و بر سر راه سکولاریسم و مدرنیسم مانع تراشی نکند و با گذار به سکولاریسم بسازد؟ بنابراین نتیجه، تحریفات مدرن دیگری اتفاق می‌افتد. تحریفی که می‌خواهد عاشورا را بازسازی کرده و منطبق سازی کند، یعنی می‌خواهد جریان هیپرنتیک را هم در تفسیر عاشورا بیاورد و عاشورا را حسی تفسیر کند؛ به گونه‌ای که با گذار به سکولاریسم، گذار به دنیای سکولار و جامعه جهانی سکولار سازگار باشد، یعنی می‌خواهد آن‌گونه حول عاشورا فرهنگ‌سازی کند که مزاحم جهانی سازی مدرنیسم و لیبرال دموکراسی نشود؛ این بزرگ‌ترین تحریف پیرامون عاشورا است که در اینجا به بررسی چند مورد از آن می‌پردازیم.

## ارائه تفسیر مدرنیستی از قیام عاشورا

یک نمونه از این تحریفات این است که شما بباید این حقیقت قدسی را که یک اقدام ملکوتی و در عین حال زمینی است، یعنی اثر گذار بر فرآیند جامعه جهانی و دنبال اصلاح جامعه است «خرجت لطلب الإصلاح فی امة جدی» اینها را بر محور مفاهیم مدرن تفسیر کنید. یعنی اصلاحاتی را که حضرت دنبال می‌کردند همان مفاهیم اصلاحاتی تلقی کنیم که لیبرال دموکراسی پیشنهاد می‌کند. اولین پیشنهاد لیبرال دموکراسی اصلاح ساختار سیاسی بر محور اوماننیسم و انسان مداری است که عاشورا هرگز بر این محور شکل نگرفت.

## مقایسه اصلاحات لیبرالی با اصلاحات حسینی (ع)

اصلاحاتی را که لیبرال دموکراسی دنبال می‌کند دارای چند ویژگی است:

۱. فراگیر است، شما دیده‌اید اصلاحاتی که امروز دنبال می‌کنند و در جامعه جهانی دنبال توسعه جهانی هستند، فراگیر است و می‌خواهند همه جامعه جهانی را دستخوش تغییر و تحول کنند،
۲. همه جانبه است، ناظر به نظام سیاسی و فرهنگی یا اقتصادی نیست. می‌خواهد همه ابعاد جامعه را دستخوش تحول هماهنگ کند، توسعه جامع،
۳. اصلاحات را می‌خواهند از اعماق جامعه ایجاد کنند. می‌گویند می‌خواهند عمیق‌ترین لایه‌های فرهنگی



مفهوم انتظار  
را این‌طور  
تفسیر کردند  
که پدیده  
عصر ظهور  
پدیده‌ای است  
که در آن یک  
جهش تاریخی  
اتفاق می‌افتد  
و این جهش  
به وسیله فرد  
فوق العاده‌ای  
است که از نظر  
مذهب تشیع  
وجود مقدس  
امام عصر  
(ارواحنا فداه)  
است

انتظار را عرض کردم مصادره کردند. می‌گویند انتظار یعنی افق آینده روشن؛ طی یک اصلاحات تدریجی، خود بشر عقلانیتش رشد می‌کند و به جامعه لیبرالی می‌رسد، لیبرالیسم، جهانی شده و دموکراسی فراگیر می‌شود، این تفسیر از انتظار، تحریف انتظار به نفع لیبرالیسم و لیبرال دموکراسی است. به جای اینکه انسان را در فرآیند کلمه توحید فعال کند، در فرآیند تمدن مادی فعال می‌کند. عاشورا را هم می‌خواهند دستخوش همین تحریف کنند. می‌گویند: امام حسین قیام کرد چون حکومت یزید مشروع نبود، چرا؟ چون حکومتی مشروع است که ناشی از رأی مردم باشد؛ چه امام حسین باشد چه یزید! اگر امام حسین (ع) مردمی نبود مشروع نیست، اگر یزید مردمی بود مشروع است! می‌گویند چون حکومت دموکراسی نبود، سلطنت موروثی بود، نه انتخابی که مردم به پادشاه رأی دهند؛ امام با این مبارزه می‌کرد.



آیا واقعاً مبارزه امام حسین با سلطنت بود؟ آیا می‌خواست سلطنت را به دموکراسی تبدیل کند؟ این بدترین نوع تحریف است. این تحریف، تحریف مدرن است؛ یعنی مفهوم عاشورا را به مفهوم لیبرال دموکراسی مصادره کردن. اصلاً امام حسین قیام کرد چون حکومت یزید حکومتی موروثی بود، از این تحریف بدتر دیگر نمی‌شود. می‌گویند قیام عاشورا این است که برای اقامه دموکراسی بجنگیم و امام حسین برای اقامه دموکراسی می‌جنگید! آیا امام حسین (ع) برای اقامه کلمه توحید می‌جنگید یا دموکراسی؟ این خون را ما بریزیم تا دموکراسی برپا شود، چه تحریفی بدتر از این. سخیف‌تر از این در باب امام حسین (ع) صحبت نکرده‌اند. این خلاف همه مفاهیمی است که از عاشورا باقی مانده است.

امام حسین درباره قیام خود بسیار سخن گفته‌اند. آیا یک جا عدم مشروعیت یزید را به این برمی‌گرداند که چون سلطنت موروثی است یا چون دموکراسی نیست؟ یا می‌گویند یزید فاسق است، فاجر است، شارب الخمر است، چنین است، چنان است. می‌گویند از محیط بندگی خدا خارج شده است. حکومتش حکومت الهی نیست، نه اینکه دموکراسی نیست، البته من نمی‌خواهم بگویم مردم نباید حضور داشته باشند این غلط است. لذا آنها می‌خواهند مفهوم عاشورا را به نفع دموکراسی تحریف کنند. آنها واقعاً معنی کلمه توحید را نمی‌فهمند.

دو نمونه تحریف دیگر عاشورا



دو نمونه تحریف دیگر هم وجود دارد. یک تحریف این است که روشن است که ما الآن در تعامل با دنیا هستیم. دنیای کنونی دنیایی است که همه فرهنگ‌ها با هم تعامل دارند. ما چگونه بین فرهنگ‌ها و عاشورا تعامل

جامعه را دستخوش تحول کنند که شالوده‌های این بنا آنجا گذاشته می‌شود. این اصلاحات عمیق، فراگیر، همه جانبه، تاریخی، پایدار و بر یک محور واحد است: محور لیبرال دموکراسی. آنها یک چنین اصلاحاتی را تعبیر و دنبال می‌کنند. اما اصلاحاتی که سیدالشهدا (ارواح العالمین له الفداء) دنبال می‌کردند دقیقاً در نقطه مقابل این بوده است. اقدام اصلاحی حضرت سیدالشهدا (ع) دارای چند ویژگی است:

۱. اصلاحی است تاریخی. حضرت هرگز دنبال دولت مستعجل سال ۶۱ در کوفه نبودند، بلکه به دنبال یک حکومت تاریخی در مقیاس جامعه جهانی بودند. ۲. بسیار عمیق می‌اندیشیدند. ایشان نمی‌خواستند پایه‌های حکومتشان را روی دوش انسان‌هایی بگذارند که دنیا پرستند. انسان‌های دنیاپرست تحمل بار حکومت حق را ندارند. این حکومت پایه‌هایش بر قلوب انسان‌هایی است که خانه قلبشان مسجد است. حضرت خوب می‌فهمیدند که نقطه قرار حکومت دینی ارواح انسان‌هاست و باید اعماق روح انسان‌ها را دستخوش تحول کنیم. بنابراین حضرت نگاهشان به اعماق تاریخ است.

۳. توجه به اعماق وجود انسان‌ها و جامعه انسانی است. ایشان می‌خواهند از عمیق‌ترین لایه‌ها، نفسانیات انسان را تغییر دهند و خداخواهی را در باطن انسان به جای خودخواهی بنشانند. یعنی به جای انسان مداری، انسان را خدا مدار کنند؛ نه اینکه به انسان خودمدار بگویند خدا را بپرست. حضرت می‌خواهند مدار وجود انسان را تغییر دهند و تا این تغییر نکند توحید اقامه نمی‌شود. مشکل اصلی انبیاء این بود که می‌خواستند این تحول از عمیق‌ترین لایه‌های فطرت انسان و وجود انسان اتفاق بیفتد و بعدها شکوفا شود. بنابراین اصلاحات حضرت یک اصلاحات همه‌جانبه، فراگیر، تاریخی، عمیق و اثرگذار بود. این طور نیست که حضرت بگویند من می‌خواهم انسان‌ها را در درون شخصی خودشان متحول کنم اما در روابط اجتماعی‌شان بت بپرستند، نفس پرست باشند. حضرت می‌خواهند ساختارها را به هم بزنند. هم می‌خواهند اعماق وجود انسان‌ها را تغییر دهند و هم همه ابعاد جامعه را با هم بر محور توحید دگرگون کنند. نگاهشان نگاه تاریخی است. عجله‌ای ندارند، یعنی شالوده‌های «عصر ظهور» را پایه‌گذاری می‌کنند. حال شما بیابید چنین اقدام اصلاحی اثرگذار را که بر محور فرهنگ توحید هست، بر محور آموزه‌های لیبرالیسم و لیبرال دموکراسی تفسیر کنید و بگویند حضرت دنبال اصلاح بود. اما اصلاح این است که حکومت مشروع شود.

تحریف عاشورا به نفع لیبرال دموکراسی



تحریفی را که وارد کرده‌اند این است که می‌گویند عاشورا را در گذار سکولاریسم تفسیر کنیم، کما اینکه

یک تحریف

مدرن داریم

که می‌گوید:

جامعه بشری

به سمت یک

نقطه روشنی

حرکت می‌کند.

این حرکت اولاً

یک حرکت

تدریجی است و

هیچ جهشی در

آن نیست و ثانیاً

حرکتی است که

خود انسان‌ها

آن را می‌سازند،

این طور نیست

که یک انسان

الهی و یک ولی

الهی محور

شکل‌گیری

حادثه باشد

فرهنگ عاشورا، یعنی فرهنگ عبادت، فرهنگ فداکاری برای گسترش کلمهٔ توحید باشیم، فرهنگ فداکاری برای ارتقای وجدان اخلاقی بشر و همهٔ ساختارهای زندگی بشر باشیم؛ به طوری که همهٔ زندگی بشر، آهنگ و بوی خدا داشته باشد. «حتی تون اعمالی و اورادی کلها وردا واحدا و حالی فی خدمتک سرمدا» این هم تحلیل سوم است. اما چگونه در گذار به یک جامعهٔ جهانی، بر محور فرهنگ عاشورا با فرهنگ سکولار تعامل کنیم که فرهنگ سکولار را در فرهنگ عاشورا منحل کنیم. دیگر نمی‌شود بگویید تحلیل عاشورا در گذار به دنیای سکولار؛ بلکه باید بگوییم تحلیل جریان سکولاریست در گذار به دنیای عاشورایی؛ جهانی‌سازی بر محور فرهنگ عاشورا. البته در تعامل با فرهنگ‌های معاصر، تعامل باید به گونه‌ای باشد که شیب به سمت منحل شدن آن فرهنگ‌ها در فرهنگ اسلام داشته باشد. لذا دومین تحریف این است که وقتی می‌خواهیم بین فرهنگ عاشورا و فرهنگ سکولار تعامل برقرار کنیم، روش‌های تغییر حسی، نظیر قبض و بسط و سایر گرایش‌های موجود در هرمنوتیک را در تفسیر فرهنگ عاشورا بیاوریم و عاشورا را بر اساس روش‌های هرمنوتیکی تفسیر کنیم. یعنی بیاییم عاشورا را در تعامل با فرهنگ دنیاپرستی و مادی تفسیر کنیم.

#### عاشورا، اصلاح در سراسر تاریخ

اما تفسیر سوم، تفسیر عرفانی نمودن از حادثه عاشورا است. بله، عمیق‌ترین لایهٔ عاشورا، لایهٔ عرفانی و لایهٔ عبودیت و فداکاری حضرت سید الشهدا (ع) به حضرت حق است؛ همهٔ اینها صحیح هست. اما این حادثهٔ عرفانی از یک زاویهٔ دیگر یک اقدام اصلاحی و اثرگذار بر تاریخ است. می‌خواهد کل امت را در تاریخ اصلاح کند «طلب الإصلاح فی امة جدی». لذا می‌آیند و می‌گویند این درگیری بین بنی‌هاشم و بنی‌امیه است و دوره‌اش

ایجاد کنیم. در دنیای گسترش ارتباطات که دائماً هم در حال توسعه است ما هرگز نمی‌توانیم ارتباط فرهنگ‌ها و تعامل را قطع کنیم. اما چگونه بین فرهنگ عاشورا و فرهنگ سکولار تعامل ایجاد کنیم؟

درست است که فرهنگ سکولار در دنیای معاصر یک واقعیت است، ولی عاشورا هم یک واقعیت است. چگونه بین این دو واقعیت تعامل ایجاد کنیم. به سه طریق می‌توان بین این دو واقعیت تعامل برقرار کرد: یک نوع تعامل این است که بگویید در این تعامل بیاید فرهنگ عاشورا را با فرهنگ سکولار آشتی دهید، یعنی جریان سکولاریست جهانگیر شود و جریان عاشورا در آن منحل بشود. این همان چیزی است که بوش دنبال می‌کند. بوش می‌گوید فرهنگ حاکم بر جهان باید فرهنگ لیبرال دموکراسی و ارزش‌های آمریکایی باشد. بدترین نوع تحریف این است که ما به اسم تعامل بین فرهنگ عاشورا به عنوان یک واقعیت و فرهنگ سکولار به عنوان یک واقعیت آشتی بدهیم. مگر بین دنیاپرستی و خداپرستی آشتی برقرار می‌شود؟

دوم اینکه دو جهان را موازی تفسیر کنیم و کاری به کار هم دیگر نداشته باشیم و بگوییم یک فرهنگ عاشورا که طرفداران خودش را دارد، یکی هم فرهنگ لیبرال دموکراسی، این چیزی نیست که در دنیای ارتباطات تحمل بشود، شما هم بگویید، دشمن تحمل نمی‌کند، چون می‌داند در دنیای ارتباطات، جهانی شدن جز بر محور یک فرهنگ ممکن نیست. بقیهٔ فرهنگ‌ها باید خرده فرهنگ باشند، فرهنگ تابع باشند. دو تا فرهنگ، دو تا متغیر از هم جدا که با جهانی‌سازی نمی‌سازد. این تخیل است.

#### راهکار جهانی‌سازی فرهنگ عاشورا

اما تلقی دیگر این است که ما به دنبال جهانی‌سازی

